

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۸۰  
چهارشنبه ۹ آبان ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰ ریال

حزب توده ایران راه حل مسأله آمیز و مبتنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد رایگانه راه حل مسئله کردستان میداند و آماده است در این راه، با تمام نیرو و امکانات خود، به دولت موقت جمهوری اسلامی ایران صادقانه یاری کند

## مراحل حل مسأله کردستان

■ آتش بس، مذاکرات صمیمانه و توافق صادقانه!  
صفحه ۲

# نامه سرگشاده

## کمیته مرکزی حزب توده ایران به شورای انقلاب

■ برای تبادل نظر سازنده بخاطر تحقق وحدت واقعی نیروها و تدوین برنامه های انقلابی، آماده ایم

در مرحله حساس از انقلاب ایران هستیم، مرحله ای که راه آینده این انقلاب و مسیر تکامل آن تعیین میشود. هیچ ایرانی طرفدار آزادی و استقلال، هیچ مبارز طرفدار توده زحمتکشان نمیتواند در این مرحله حساس نسبت بسرنوشت کشور و آینده انقلاب بزرگ ما بی علاقه و بی تفاوت باشد. در جریان روز هجرتی مردم ایران با امام خمینی، رهبر انقلاب، ما با خرسندی بسیار اطلاع یافتیم که شورای انقلاب درباره طرحها و برنامه های مختلفی که در پیش رو دارد، پیرامون راه رشد آینده کشور و راه حل هایی که برای مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی مهین ما در نظر گرفته شده، در راه مبارزه با فقر و محرومیت و عقب ماندگی و وابستگی، در راه استقلال کامل اقتصادی و ریشه کن کردن استعمار، درباره تره های سیاسی مربوط به نحوه اداره کشور و درباره مجموع سیاست های داخلی، حاضر به تبادل نظر و عقیده، حاضر به شنیدن نظرها و طرح های دیگران و توجه به آنهاست.

ما باین روش درست، صمیمانه تهنیت می گوئیم، بویژه که اندیشه ها و موشکبری صحیح و خلقی بسیاری تاکنون از جانب شورای انقلاب در این زمینه ها بیان و اعلام شده است. ما باین روش درست تهنیت می گوئیم بویژه که از همه کسان دارای هر نوع فکر و سلیقه ای، دعوت شده است تا بپایند و با هم بشینیم و بشینیم، مطالب خود را در میان بگذارند و بحث آزاد باشد. ما باین شیوه صحیح و فارغ از انحصارطلبی های تنگ نظرانه و راهگشای تبادل نظر دست و مشترک صمیمانه تهنیت می گوئیم، زیرا شورای انقلاب در قراخوان خود اعلام می کند، دولت ما بتواند با برخورد سالم و سازنده عقاید و افکار و اندیشه ها، راه را بسوی وحدت واقعی همچنان باز نگاهدارد.

این مسئله، مسئله اساسی و اصولی است، وحدت واقعی همه نیروهای راستین انقلابی برای پیشبرد انقلاب حزب توده ایران پیرامون همه این مسائل حیاتی، نظرها و طرحها و پیشنهادها اصولی خود را دارد و آنها را به سود انقلاب و تعمیق دستاوردهای آن، به سود مردم زحمتکش ایران، به سود استقلال و آزادی میداند و در اسناد رسمی خود و نشریات خویش خطوط عمده آنها را بیان داشته است. ولی همیشه حزب ما اعلام کرده است که این اصول و نظریات بیان شده را بمثابة شالوده ای برای تبادل نظر و گفتگو و یافتن یک وجه مشترک انقلابی و مترقی تلقی میکند و پیرامون هر پیشنهاد و طرح دیگری حاضر به بحث و مبادله آراء و تدوین برنامه مشترک است.

اکنون، بمناسبت این دعوت عام شورای انقلاب، حزب توده ایران باز دیگر اعلام میدارد که بویژه خود حاضر به شرکت در این برخورد سالم و سازنده و آزاد هست، زیرا عمیقاً معتقد است که نیل به وحدت واقعی همه نیروهای طرفدار استقلال و آزادی و نیکبختی مردم زحمتکش، وحدت واقعی همه انقلابیون راستین، صرف نظر از تعلقات مسلکی و سازمانی، یک ضرورت حیاتی و مبرم است. تحقق خود این وحدت یک پیروزی بزرگ انقلابی است.

در حالیکه برخی محافل انحصار طلب و راست گرا کوشیده اند احزاب و جمعیتها و نیروهای مترقی و چپ و انقلابی را از صحنه خارج کنند و جبهه انقلاب و حامیان واقعی آنرا عملاً تضعیف نمایند، این دعوت عام شورای انقلاب، در صورتیکه عملی شود و بیکرانه جامعه تحقق یابد، گامی خواهد بود در جهت به صحنه آوردن کلیه این نیروهای صديق و نامین مشارکت فعال آنها در تعیین راه و پیشبرد انقلاب و تقویت صفوف انقلاب. بنابراین ما این دعوت را مثبت و در جهت منافع انقلاب می شماریم و رسماً اعلام میداریم که آماده ایم در چنین برخورد عقاید و تبادل نظر آزاد، بخاطر تدوین مشی سالم و سازنده، با تمام حس مسئولیت خطیری که مرحله حساس کنونی آنرا ایجاب میکند - شرکت کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۳۵۸ بانام ۱۳۷

## لیبرالیسم، دمکراتیسم و پیوند آنها با موضع گیری ضد امپریالیستی

□ یک بحث عمومی ایدئولوژیک، که به مشی حزب و مسائل حاد انقلاب ما ارتباط دارد بقیه در صفحه ۲

## پیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب دمکراتیک ملی در الجزایر

در صفحه ۴

# استعفای دکتر سامی

## زنك خطري براي دولت

دکتر کاظم سامی، از شخصیت های انقلابی ایران و از چهره های مسرور اعتماد مردم، که از آغاز تشکیل دولت مهندس یازرگان، سمت وزارت بهداشت را عهده دار بود، با فرستادن نامه هایی برای رهبر انقلاب و نخست وزیر استعفا کرد.

نامه های دکتر سامی به رهبر انقلاب و نخست وزیر، که زنك خطري است به دولت، هتدادهای مکرر حزب توده ایران را درباره معضلات کشور تایید می کند.

در نامه های دکتر سامی دلایل مهمی ذکر شده، که از طرفی بملت شر نداشتن نویسنده در پانزدهم اردیبهشت اجرائی و از طرف دیگر به دلیل صحت نظر ایشان، که همیشه در ستکس انقلاب جنگیده اند، می تواند باز گوی مشکلات گریه کشور در شرایط کنونی باشد.

دکتر سامی در نامه خود به رهبر انقلاب، دلایل استعفایش را به صورت زیرین جمع بندی کرده است:

- ۱- عدم تجانس در هیات وزیران و تمایلات گریه و فرقه ای و دسته بندی برای کسب قدرت بیشتر.
- ۲- عدم وجود یک سیاست واحد اقتصادی-اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای ساختن جامعه انقلابی اسلامی.
- ۳- عدم هماهنگی در برنامه های وزارتخانه ها و در کل با اهداف انقلاب.
- ۴- عدم اعتماد برای ادامه خدمت در آینده و در نتیجه عدم امکان برنامه ریزی های لازم و مدت دار.
- ۵- عدم همکاری و وجود سازش در سیستم ارتباط جمعی بویژه رادیو و تلویزیون در معرفی دستاوردهای انقلاب و زمینه سازی فرهنگی و انقلابی.
- ۶- که امکان عمل انقلابی را از بین می برد...

دکتر سامی در نامه های خود برخی از دلایل بالارباب کرده است، بقیه در صفحه ۴

■ بی توجهی به عمق مخالفت های امپریالیسم

دکتر سامی در نامه خود به نخست وزیر، یکی از دلایل استعفایش را بی توجهی به عمق مخالفت های امپریالیسم ذکر کرده و نوشته است:

نداشتن الگو و معیار خاص از حکومت انقلابی اسلامی. عدم آشنائی با نظام بورکراتیک و عدم تجانس فکری و وزراء در کابینه سبب عدم تحرک لازم در مسأله های اول بعد از انقلاب شد و بی توجهی به نقش سیاست های خارجی و عقب ماندگی های امپریالیسم با انقلاب ایران، به دشمنان خارجی انقلاب نیز فرصت داده که در سایه رخاقت و حمایت آنها ضد انقلاب رشد کنند و در مقابل به این واقعیت بجای دیدن علت (امپریالیسم)، معلول (ضد انقلاب) مورد معرفی و حمله قرار گرفته اند.

دکتر سامی در نامه های خود به رهبر انقلاب، دلایل استعفایش را به صورت زیرین جمع بندی کرده است:

□ استعفای دکتر سامی، هشدارهای مکرر حزب توده ایران را به دولت تایید می کند.

جمعیت ایرانی هواداران صلح برای حل مسأله کردستان امضا جمع میکنند

صفحه ۲

در صفحات بعد:

■ این انقلاب، انقلاب مستضعفین است و صاحبان زر و زور باید کنار بروند سخنان رئیس دانشگاه تهران صفحه ۴

■ با وحدت ثابت کنیم که در ایران جانی برای امریکا نیست در مطبوعات کشور صفحه ۳

■ محافل اجتماعی جهان، ابتکار اتحاد شوروی را تایید می کنند رویدادهای جهان صفحه ۳

■ فریادمان لحظه به لحظه بلندتر می شود، اما کو گوش شنوا؟

## ۴ هزار گود نشین: هیچ چیز نداریم!

■ زمستان ها سیل وسط گودها جمع می شود و خانه هارا روی سرمان خراب می کند.



خانه هایی از گل و خاکی و نایلون، زنی که از چند صد متر دورتر آب می آورد و بچه هایی که در خاک می لولند اینجا گوشه ای از زندگی گودهاست. گوشه ای از «تمدن بزرگ شاهانه»  
صفحه ۳

دومین شماره

# دنیای

بزودی منتشر میشود

در این شماره:

- ۳۸ سال مبارزه قهرمانانه حزب توده ایران (بقلم: کیا نوری).
- بحثی آموزنده درباره «استه تیک و هنر» (بقلم: احسان طبری).
- یک پژوهش جالب فلسفی بنام «پویائی هستی» (بقلم: آرش آریانپور).
- اشعاری از سیاوش کسرایی.
- مقالاتی پیرامون: شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، درباره دیدگاه های نو در جنبش چپ ایران، بررسی های درباره مسئله مسکن و بهداشت، مسئله نفت، گذشته سینمای ایران، چگونگی آموزش مادکسیسم لنینیسم، و بسیاری مطالب دیگر...

# آتش بس در کردستان شرط حتمی و ضرور برای موفقیت در مذاکرات است

# لیبرالیسم، دمکراتیسم و پیوند آن با مومضعگیری ضد امپریالیستی

ما در گذشته چندبار توضیح دادیم که از دیدگاه جامعه‌شناسی علمی، دو مفهوم لیبرالیسم (یا آزادی‌گرایی) و دمکراتیسم (یا مردم‌گرایی) بنا یکدیگر فرق دارند و هر کدام از آنها بیانگر مضمی سیاسی طبقات و قشرهای اجتماعی معینی است و لذا رابطه آنها از جهت موضوعی و ضد امپریالیستی یکسان نیست. یعنی دمکراتیسم حتماً ضد امپریالیستی است، ولی لیبرالیسم ضرورتاً نکرده است که با مومضعگیری ملی و ضد امپریالیستی همراه باشد.

بحث‌های گوناگون نشان می‌دهد که در اینجا گریه است که در دهان بسیاری گشوده شده و هنوز بسبک متداول در جامعه‌شناسی بورژوازی، آزادی را، که تنها بخشی از دمکراسی، به معنای دمکراسی بطور اعم می‌گیرند و آنرا نیز شرط ضروری و ناگزیر برای مبارزه ضد امپریالیستی میدانند، لذا باین نتیجه می‌رسند، «نیست و با امپریالیسم مبارزه موثر کرد، تا زمانی که آزادی نیست». از این حکم ناچار این نتیجه حاصل می‌شود، «چون وجود آزادی شرط ضروری مبارزه کامیابانه با امپریالیسم است، لذا این مبارزه برای آزادی است که مسئله مقدم است و نه مبارزه با امپریالیسم» و نیز این نتیجه، «طرفداران آزادی بر طرفداران هر گونه محدودیتی در آزادی بطور قطعی ترجیح دارند، صرف نظر از منشا و مومضع طبقاتی این دو گروه و مومضع آنها در مبارزه بر ضد امپریالیسم».

اهمیت این احتجاجات، که ما آنرا برای تهنیل بشکل ساده و کوتاه بحث، فرمولبندی کرده‌ایم، در عمل سیاسی فوق‌العاده جدی است. اگر این احتجاجات درست باشد، پس لازم می‌آید که شما بتوان مبارزه ترقیخواه بایک دولت ضد امپریالیستی که آزادیهای سیاسی را مراعات نمی‌کند، یا چنانکه باید مراعات نمی‌کند، بیشتر متخالف باشید تا یک دولت هوادار امپریالیسم، که آزادیها را در چارچوب سیستم پارلمانی بورژوازی، ولو تا حدودی، مراعات می‌کند. در چارچوب چنین احتجاجاتی، مثلاً کارامانوس یونان از بومدین الجزایر مثبت‌تر از آب درمی‌آید؛ یا حتی مناجیم‌گین در اسرائیل (که حزب کمونیست کاملاً متخالف خود را تحمل می‌کند) بر مومضع قذافی در لیبی ترجیح می‌یابد؛ معلوم می‌شود که بناچار در این احتجاجات چیزی نادرست است. با دیدن این نکته نادرست، که مومضع اوجاج در احتجاج و انصراف در تفاوت می‌شود، در کجاست؟

نکته نادرست، در قبول مفهوم «دمکراسی» به شیوه بورژوازی آن، بمعنای «آزادیهای سیاسی» و برپادادن روشنفکران ما به این مفهوم است، و حال آنکه در جامعه‌شناسی انقلابی، بین آزادی‌گرایی یا «لیبرالیسم»، که مومضع «دمکراسی» را تا سطح آزادیهای سیاسی متداول در برخی کشورهای دارای سیستم پارلمانی سرمایه‌داری تنزل می‌دهد و مردم‌گرایی یا «دمکراتیسم»، که اصل حاکمیت خلق را در مرکز توجه قرار می‌دهد، تفاوت کیفی است.

لیبرالیسم کاری به اینکه خلق، در لفظ تاریخی معین، کدام یک از طبقات و اقشار جامعه را در بر می‌گیرد و لذا حاکمیت خلق به چه معناست، ندارد. از نظر لیبرالها، خلق دولت به یک معنی است. ولی از نظر جامعه‌شناسی علمی و انقلابی، خلق آن بخشی از ملت است که از طبقات و قشرهای حاکمه ترقی و محافظه کار و ممتاز جامعه، سرمایه‌داری جداست و منافعش با این طبقات و قشرها وارد تضاد می‌شود بطور مشخص، در کشور ما کارگران، دهقانان، کوشک‌ها، روشنفکرانی که خدمتکار خلق هستند و نیز بورژوازی کوچک و متوسط ضد امپریالیستی (یا ملی)، خلق است و ولیک، دشمن اجتماعی و ممتاز، یعنی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و واسعه و تکسوکراتهای لشکری و کشوری در خدمت آنها (که در ایران خاندان پهلوی سلسله‌چنان نشان بود) ضد خلق است و حال آنکه آنها هم در مفهوم عام «ملت ایران»، یعنی همه کسانی که تابعیت قانونی دولت ایران را دارا هستند، وارد می‌شوند.

شاخص دمکراتیسم چیست؟ چنانکه در فوق نیز یاد کردیم، دمکراتیسم، مسئله‌ایک حاکمیت در دست کیست و علیه کیست را در مرکز توجه قرار می‌دهد و خواستار حاکمیت خلقی است و این امر مترقی و وثیقه دمکراسی می‌باشد.

این دمکراسی، که ما آنرا دمکراسی انقلابی نیز می‌توانیم بنامیم (در مقابل «دمکراسی بورژوازی») دارای مومضع طبقاتی معینی است و بویژه باید بولژی سیاسی قشرهای متوسط جامعه است، که بخش مهمی از خلق را تشکیل می‌دهد. بدون شک این دمکراسی انقلابی که از جهت خلقی و بوردیسی (یا ضد امپریالیستی) بودن از لیبرالیسم بورژوازی متوقفی‌تر است، خود دارای یک طیف متنوع درونی است. در آن می‌توان جاح‌های راست، میان‌رو و چپ را تشخیص داد. درست به این علت، از بابتی‌گیری در بر دلبلی امپریالیسم و از جهت بی‌گیری در استقرار دمکراسی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، همگونی این قشرهای متوسط نیست. جناح چپ دمکراسی انقلابی، در همه این رصمها بی‌گروتر است و جناح راست بویژه تمایلی دارد که آزادیهای سیاسی را با مال کند و خلقیت را محدود سازد و تنها به مومضع ملی بسنده نماید. طبیعی است که مومضعگیری طبقه کارگر نسبت به دمکراتیسم انقلابی، از مومضعگیری وی نسبت به لیبرالیسم بورژوازی مثبت‌تر است. همین ترتیب مومضعگیری این طبقه نسبت به جناح چپ دمکراسی انقلابی مثبت‌تر از جناح میان‌رو، و نسبت به جناح میان‌رو، مثبت‌تر از جناح راست است. همین‌ها با اموری طبیعی و منطقی است. وجود این طیفسه‌گانه راست، میان‌رو و چپ در درون آن قشرهای جامعه، که دمکراسی انقلابی ایدئولوژی سیاسی آنهاست، نبرد درونی دمکراتیهای انقلابی، نبردی‌گام بی‌امان، را موجب می‌شود و از آنجا که در مورد این نبردها برای آن بکار برده می‌شود که آنها در انقلاب ملی و رهائی بخش (ضد امپریالیستی) زنده‌خل‌رو هم هستند و در بسیاری از کشورها نقش درجه اول ایفاء کرده‌اند.

اما انقلابیون اصل، وقتی در مسئله «آزادیهای سیاسی»، بین لیبرالها و دمکراتیهای انقلابی تناقضی پیدا شود، چه باید بکنند؟ آنها باید بگویند، «ما بدون شک وجود آزادیهای سیاسی فوق‌العاده اهمیت می‌دهیم و تا همین جامع آنها را می‌طلبیم و با اسالیب تحمیلی و انصراف‌طلبانه حکومت‌سریباً و جدلاً متخالفیم، ولی بین حاکمیت لیبرالها از سویی و حاکمیت دمکراتیهای انقلابی، ولو قشرهای محافظه‌کارش، از سوی دیگر، ما، علیرغم ناپیکری‌ها یا تمایلات نادرستی که ممکن است نسبت به آزادیهای سیاسی در میان گروه اخیر وجود داشته باشد یا در آینده پیدا شود، دمکراتیهای انقلابی را، بعلمت مومضع آنها در برابر امپریالیسم بر لیبرالها ترجیح می‌دهیم، ولو این دمکراتیها، از جهت مضمی عمومی خود، حتی نماینده برخی قشرهای عقب‌مانده‌تر و راست‌گراتر خلق باشند، و روش است که این ترجیحی بشرط آنست که آنها در خورد عنوان دمکراتیهای انقلابی را باقی بمانند، یعنی مومضع ضد امپریالیستی و خلقی خود را در اختیار بمانند. چرا؟ زیرا دمکراسی انقلابی، با همه معایبی که می‌تواند در زمینه مراعات بی‌گروتر آزادیهای سیاسی داشته باشد، (که البته این

ابداً از ضروریات خود «دمکراتیسم» نیست، بلکه ناشی از روش سیاسی برخی قشرهای راست‌گرایا عقب مانده در داخل این دمکراسی است) زمینه تاریخی و معینی تکامل جامعه را بهتر فراهم می‌کند و مومضعگیری ضد امپریالیستی مطمئن‌تر و پیکر‌تری بوجود می‌آورد تا لیبرالیسم. در انقلاب ملی و رهائی بخش (ضد امپریالیستی) مسئله «مبارزه علیه امپریالیسم» محور مقدم است، اولویت‌دار است، اساسی است، که نباید فراموش کرد.

بعلاوه در روند انقلابی جهان امروز، مسئله مبارزه با امپریالیسم، مسئله هرگز است. لذا در این زمینه هیچگونه تنزلی نمی‌توان داشت. دمکراتیسم، طبق سرشت خود (چنانکه گفتیم، ولو آنکه بطور عمدتاً دمکراتیسم باشد) مجبور است ضد امپریالیستی باشد. ولی لیبرالیسم، که ایدئولوژی سیاسی بورژوازی لیبرال است، در شرایط کنونی جهان مسلماً ضد امپریالیست نیست و فوثری، اگر بخواهد، همکاری با امپریالیسم را چنانچه چاکری از امپریالیسم و قبول تحمیلات آن، می‌سازد.

ممکن است گفته شود، آیا مضمی سیاسی قشرهای متوسط تنها دمکراتیسم است؟ آیا این قشرها نمی‌توانند بسوی فاشیسم بروند؟ فاشیسم از جهت علمی یعنی چه؟ فاشیسم دیکتاتوری تروریستی مترقی‌ترین و شوونیست‌ترین و چپ‌انوارترین عناصر سرمایه‌مالی است. وقتی بورژوازی بزرگ نتواند با اسلوب‌های عادی لیبرالی حکومت کند، آنگاه به فاشیسم متوسل می‌شود. البته امپریالیسم، در عرصه‌ها، شیوه‌های فاشیستی اعمال حاکمیت را، بنحای «اسلوب‌داره کشور»، به رژیم‌های دست نشانده خود می‌آموزد و به کشورهای آنان «صادر می‌کند» (مانند نوبه شیلی، پیرو و ایران دوران پهلوی). لذا فاشیسم متعلق به قشرهای تشکیل دهنده خلق نیست، ولی در درون این قشرها، شیوه‌های انصراف‌گرایی و تحمیلی اداره کشور می‌تواند پدید می‌شود و به آزادیهای سیاسی زبان برساند. ولی تا زمانی که حاکمیت این قشرها، منافع عمومی خلق را نقض نمی‌کند، بویژه در برابر سرمایه‌جها‌نی (امپریالیسم) می‌ایستد و از استقلال سیاسی و اقتصادی کشور دفاع می‌کند، چنانکه گفتیم، ما نمی‌توانیم و حق نداریم لیبرالیسم را بر آن ترجیح دهیم. این درست است که دمکراتیسم، انقلابی، در صورت پامال کردن پیگیری آزادیهای دمکراتیک، بتدریج خود را به مسخ و استحاله کیفی محکوم می‌کند و در نتیجه به مبارزه ضد امپریالیستی لطمه می‌زند و راه را برای ضد انقلاب باز می‌کند، ولی مسئله به زمان نیاز دارد و تا مدتی می‌تواند بطور عمدتاً کیفیت اولیه انقلابی خود را حفظ کند و حزب انقلابی حق ندارد باروش بی‌محابا و ناستیجیده خود، آنرا «حول دهد» و بسوی راست براند.

حزب ما اهمیت آزادیهای سیاسی را برای پیشرفت مبارزه خود و دیگر سازمانهای مترقی و انقلابی، برای تسهیل مبارزه ضد امپریالیستی، بسیار خوب و با کوشش و پوست خود درک می‌کند و در این زمینه بهیچ توصیه و تاکیدی نیاز ندارد. در زمینه ضرورت دفاع از آزادیهای دمکراتیک، برای احزاب کارگری، توصیه‌های مکرر کلاسیکهای مارکسیسم-لنینیسم وجود دارد. ولی حزب اهمیت درجه اول نبرد علیه امپریالیسم، نبرد اقتصادی و سیاسی و نظامی علیه امپریالیسم و بررأس آنها امپریالیسم جها‌نخوار آمریکا را نیز بسیار خوب می‌فهمد و در این گستره، بیخود اجازه نمی‌دهد دچار سهل‌انگاری و غفلت شود، لذا دمکراتیهای انقلابی را (تا کید می‌کنیم، تا زمانی که آنها واقفاً دمکراتیهای انقلابی هستند و بسود حقوق و حاکمیت مردم گامی‌های برپیدارند و با امپریالیسم مبارزه می‌کنند) بی‌تزلزل بر لیبرالها ترجیح می‌دهد. لیبرالها نه تنها در مقابل امپریالیسم نمی‌ایستند، بلکه حقوق دمکراتیک مردم را نیز در پرده می‌گذرانند و فقط مسئله آزادیهای سیاسی را برجسته می‌کنند.

تمام حکمت مومضعگیری حزب ما بسود انقلاب ایران و رهبری آن، در دوره‌هایی که تاکنون گذرانده و می‌گذرانند، از همین جا سرچشمه می‌گیرد. مردم ایران وقتی بین مضمی شایور بخیر و همکارانش (که به این وجودا شدند و در جبهه خلق باقی ماندند) و مضمی اشام خمینی، مضمی اخیر را انتخاب کردند، در واقع همین روش را داشته‌اند و اها هم بخش حزب نیز در تعیین مضمی سیاسی خود همین روش قاطع اکثریت مردم است.

اگر این مطلب برای کسی حل نشود، مطلب زیادی درباره درستی یا نادرستی مضمی حزب حل نشده است و همه چیز به «ما نوره» و «تا کید» (بمعنای تیرنگ) حمل خواهد شد. تمام جان کلام در درک درست تفاوت بین لیبرالیسم و دمکراتیسم و طیف درونی و مومضع اجتماعی این دمکراتیسم و پیوند آنها با مبارزه ضد امپریالیستی است، در درک تفاوت بین «آزادیهای دمکراتیک» و «حقوق دمکراتیک»، در درک تفاوت بین «بورژوازی لیبرال» و «دمکراتیهای انقلابی» عرصه‌ساست، اگر این مقولات و مفاهیم با هم مخلوط شود، سردرگمی ایجاد خواهد شد و پایه بسیاری از سردرگمی‌ها در جدا نکردن مفاهیم نزدیک و خویشاوند است، که گاه با هم تفاوت‌های جدی دارند. مطالب بی‌بند اجتماعی را عاطفی نمی‌توان درک کرد. آنها را باید تفکلی و یکمک مفاهیم علمی فهمید، والا اشتباه فاکزیر است.

برای تکمیل این بحث، این مطلب را نیز می‌توان افزود، که جامعه‌شناسی معاصر بورژوازی، مقوله‌ای بنام پوپولیسم (که آنرا می‌توان به عامه‌گرایی ترجمه کرد) وارد ساخته و همه رژیم‌هایی که می‌توانند توده‌های مردم (عامه) را بدنبال خود بکشند، صرف نظر از منشا و سرشت طبقاتی آنها، از این نظر گام، عامه‌گرایا پوپولیسم نامیده می‌شوند. از لحاظ این مفهوم قلابی و اشتباه‌انگیز، گاندی و ما توهیتلر در کنار هم قرار می‌گیرند، زیرا آنها توانسته‌اند عامه را بدنبال خود بکشند. این مفهوم اها هم آفرین مانند مفاهیم دیگری که جامعه‌شناسی بورژوازی ایجاد می‌کند، نمی‌تواند ما را به نتیجه‌ای برساند. پیدایش عرصه عوام‌گرایی و عوام‌فریبی در همه جنبه‌های بزرگ خلقی (مانند جنبش خلقی چین و هند) و حتی در برخی مومضعات شوونیستی ماحیاباً ضد خلقی (مانند هیتلریسم)، که انمکس‌طرز تفکر و عمل قشرهای عقب‌مانده است، دیده می‌شود، ولی نمی‌توان این عناصر را مطلق کرد و زمینه و پشتوانه طبقاتی جنبش را ندید.

در همین مقطع باید از نقش «لومین»‌ها صحبت کرد (این واژه آلمانی است و باید با کسر «ه» خوانده شود). لومپ، یعنی ژنده، لومین پرولتاریا، یعنی پرولتاریای ژنده‌پوش، نامی که به قشرهای بی‌طبقه و وازده مانند دزدان، لوگر دان، قاچاقچیان، فواحش، گدایان و غیره داده شده است). کسانی مفهوم عقب‌ماندگی فرهنگی را با مفهوم «لومین پرولتاریا» مخلوط می‌کنند، در جامعه‌ها ممکن است قشرهایی ایداً از لومین پرولتاریا باشند، ولی دچار عقب‌ماندگی فرهنگی یا «عامیگری سیاسی و اجتماعی» نباشند و عوام‌فریبان رنکارنک بتوانند آنها را بدنبال خود بکشند. قشرهای عقب‌مانده زحمتکشان و پیشه‌وران از این جهت به «لومین» بدل نمی‌شوند و وجود چنین پدیده‌هایی در جنبش بزرگ انقلابی کشوری مانند ایران، آن جنبش را به پوپولیسم و «لومین‌گرایی» مبدل نمی‌کند. وجود این پدیده‌ها تنها حاکی از آنست که در این کشورهای «عقب

# جمعیت ایرانی هواداران صلح برای حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان امضا جمع میکند

خواست آتش‌بس در کردستان به منظور حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان مبتنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد، بیش از پیش مورد قبول و پشتیبانی محافل اجتماعی ایران قرار می‌گیرد. از جمله جمعیت ایرانی هواداران صلح متنی را در این زمینه برای امضاء در اختیار مردم ایران قرار داده است.

ابتکار جانب جمعیت ایرانی هواداران صلح مورد تایید و پشتیبانی همه نیروهای راستین انقلاب، از جمله حزب توده ایران است. بهیچ وجه ما این متن را در زیر چاپ نمی‌کنیم و از همه میهن‌دوستان و آزادیخواهان ایران، خواست آتش‌بس در کردستان به منظور حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان، بهیچ وجه فراموش نشده است.

این جنگ، که از یک طرف مردم کردستان را به خاک و خون می‌تاباند و از طرف دیگر سرایان و پاسداران انقلاب را بکشتن می‌دهد، تنها بسود ضد انقلاب است. این خون‌ریزی، بیکر انقلاب ما را بیرمق و ناتوان می‌کند و ناتوانی انقلاب ایران را هدر رفتن خون شهیدان است.

جمعیت ایرانی هواداران صلح و همه هواداران راستین انقلاب می‌خواهند که هر چه زودتر باین برادر کشی پایان داده شود و نقشه‌های شوم ضد انقلاب خنثی گردد.

ما امضاءکنندگان زیر، خواستار آیم که مشکل کردستان از طریق مذاکره مسالمت‌آمیز و گفتگوی برادرانه، با رعایت خواسته‌های بحق مردم آن سامان، در چهار چوب تمامیت ارشی و اتحاد و برادری همه خلقهای ساکن این سرزمین پهناور حل شود.

با اعلام آتش‌بس فوری و مذاکره صلح، نقشه‌های دشمنان انقلاب ایران را نقش بر آب کنیم.

نام شغل امضاء

به برادر کشی در کردستان پایان دهید!

جمعیت ایرانی هواداران صلح

خاتمه نخواهد داد و این راه‌نیز انتخاب نشده است. این دو اظهار نظر، از جانب دوتن دیگر از شخصیت‌های مسئول صحیح مسئله کردستان مقیاس‌وسیع تری بخود می‌گیرد و این امید را افزایش می‌دهد که مردم ایران در آینده نزدیک شاهد آن باشند که بهیچ همگان، سیل خون از کردستان قهرمان ورنجیده قطع گردد، برادران مشکرها را ترک گویند و به آغوش هم‌بازگردند و صلح و برادری و عدالت پیروز شود.

در عین حال ما برای کمک به راه‌حل درست، توجه هیئت ویژه کردستان را به نکت زیرین جلب می‌کنیم:

موقوف ساختن فعالیت ارتش در کردستان گامی درست و انسانیست ما پیشنه‌های می‌کنیم که این پدیده درست و انسانی تکمیل گردد، یعنی در اسرع وقت از هر دو جانب هم‌زمان و رسماً آتش‌بس اعلام شود.

پایه از اقداماتی‌هم که بن بار قاچقه توده‌های مردم می‌افزاید، از قبیل محدودیت‌هایی که برای زندگی روزمره مردم شهرها و بویژه شهر مها بباد اشکل فراهم می‌سازد، امتناع ورزید.

خلاصه، انتظار مردم ایران از هیئت ویژه کردستان اینست که از طریق یک آتش‌بس هم‌زمان و دو جانه شرافت‌دانه، مذاکرات سیمانه و توافق و تفاهم سادقانه و برادرانه و در حد اعلازی نرشو و انعطاف، به استقرار صلح و آرامش و تحکیم برادری و تا مین حقوق خلق کرد در کردستان موفق گردد.

از برادران و خواهران کردمان نیز انتظار داریم که برای به توفیق رسیدن راه‌حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان، مقابلاً از هیچ فداکاری، کمک، نرشو و ابتکاری دریغ نوزندند، باید بروشنی این واقعت را، که خود برادران و خواهران کرد بخوبی بر آن واقفند امروز بیشتر در مرکز توجه قرار بقیه در صفحه ۴

# مراحل حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان

اخبار منتشره حاکی از آنست که دولت وقت جمهوری اسلامی ایران، تحت راهنمایی‌های واقع‌بینانه و انسنادوستانه امام خمینی، در راه حل مسالمت‌آمیز و عادلانه مسئله کردستان وارد مرحله عمل می‌شود. هیئت ویژه‌ای که با اختیارات تام برای حل و فصل مشکل کردستان از جانب دولت تعیین شده بود، برای بررسی مانده و عقب نگه‌داشته شده، هنوز خود آگاهی سیاسی و طبقاتی، سطح فرهنگ عمومی، نیروی قضاوت در مسائل، نازل است. طبیعی است که هر جا گروسی چشم بسته و ناآگاه باشند، ناچار عناصر فریبکاری پیدا می‌شوند و آنها را به بیراهه هیبتند. آیا ما حق داریم تمام جنبش انقلابی (مردم) ایران را به عوام‌گرایی (پوپولیسم) و ارباب‌گرایی (لومینیزم) متهم کنیم؟ ایداً و اصلاً این جنبشی است خلقی، که در آن، مانند هر جنبش دیگری، عوام‌فریب‌ها و نادان‌ها هم می‌توانند نقش داشته باشند.

لین استراتژی و تاکتیک احزاب انقلاب کارگری را برای همه ادوار و همه مقاطع در روند انقلابی ضد امپریالیستی روشن ساخته و ما آنرا موقوت در نکت زیرین خلاصه می‌کنیم:

۱- مهربان‌دستی راستین، یعنی دفاع از منافع خلقهای میلیونی همین، در برابر غارت امپریالیستی و هیبت حاکمه و وابسته بدان و تلفیق این اصل با اصل دوستی و همبستگی با سایر خلقها که علیه امپریالیسم مبارزه می‌کنند (جهان‌گرایی پر لتری)، ۲- حفظ و دفاع از استقلال سیاسی و سازمانی حزب طبقه کارگر، ۳- فعالیت در آنجا که توده‌ها هستند و تربیت توده‌های مردم بر اساس تجربه‌های خودشان، ۴- مبارزه پیگیر برای جلب قشرهای وسیع مردم از میان طبقات غیر پرولتاریا به اتحاد و مبارزه در راه ایجاد جبهه واحدی از نیروهای ضد امپریالیستی، که ترکیب آنرا خصلت دوران، یعنی انقلابی دمکراتیک و ضد امپریالیستی و برکنار نمودن از این مبارزات (تحت این بهانه که پرولتاریا نیست)، ۶- محاسبه سطح واقعی آگاهی توده‌ها، محاسبه ویژگی‌های شرایط محلی، برخورد معقول به احساسات و عقاید مذهبی و ملی، احتیاز از اکید از اقدامات پیش از موقع و تدارک نشده، که می‌تواند به امحاء عبت توده‌های زحمتکش و نرزم‌کردن روند انقلاب منجر شود.

جا دارد که به این توصیه‌های بسیار بسیار مهم توجه درجه اول معطوف گردد.

این بحث را با نقل قولی از لین خاتمه می‌دهیم: «انتخاب عمده‌ای که می‌تواند انقلابیون مرکب‌شوند، آنست که به‌وایی بگردند. به انقلابات گذشته، و حال آنکه زندگی این همه عناصر نوین بوجود می‌آورد».

(کلیات آثار به فرانسه، ۱۳۵۳)

# قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی‌درنگ لغو شود



### محافل اجتماعی جهان ابتکار اتحاد شوروی را تأیید میکنند

کنفرانس نمایندگان محافل اجتماعی که زیر شعار «بخاطر خلع سلاح» در هلستینکی، پایتخت فنلاند، تشکیل شده بود، بکار خود پایان داد. شرکت کنندگان در کنفرانس، ابتکار اتحاد شوروی را در کاهش نیروهای مسلح و تسلیحات در اروپا مورد تأیید قرار دادند و از دولت آمریکا و دول اروپای غربی خواستند به این ابتکار پاسخ مثبت داده شود. در کنفرانس خاطر نشان گردید که در حالیکه تصمیم دولت اتحاد شوروی برای تقلیل نیروهای مسلح و تسلیحات در اروپا به سالم کردن محیط بین‌المللی کمک میکند، کوششهای دولت آمریکا و دول اروپای غربی عموماً، در زمینه استقرار نوعی جدید تسلیحات و روشی در اروپا موجب وخامت بیشتر اوضاع و تشدید خطر جنگ خواهد شد.

### امریکا بر هزینه‌های نظامی خود میافزاید

کارتی رئیس جمهور آمریکا، طی مصاحبه‌ای با سردبیران روزنامه‌های ایالتی، اظهار داشت که دولت آمریکا تصمیم دارد بر بودجه نظامی خود بیافزاید. در سالهای آینده میزان این افزایش ۳ درصد بودجه کنونی خواهد بود. رئیس جمهور آمریکا از استراتژی آمریکا بالاترین رقم بودجه، یعنی ۱۴۱ میلیارد دلار جهت هزینه‌های نظامی درخواست کرده است. و این در حالی است که بیکاری در آمریکا روبه افزایش است.

### پیشنهاد انگلستان از جانب جبهه‌میهن پرستان زیمبابوه رد شد

روبرت موگابه، رهبر جبهه‌میهن پرستان زیمبابوه، هنگام دیدار کوتاه مدت خود از استرمدام، اظهار داشت که چنانچه دولت انگلستان اصرار داشته باشد که ارتش کنونی موزوروا - اسمیت زیر فرماندهی ژنرال پرستان حفظ شود، کنفرانس لندن با شکست مواجه خواهد شد. موگابه بر نامه پیشنهادی انگلستان در مورد روزی را در کنفرانس منوط به حل و فصل رودزیا در لندن مورد انتقاد قرار داد. پیشنهاد انگلستان در مورد تعیین فرماندار کل با اختیارات نامحدود برای دوران انتقالی، از جانب جبهه‌میهن پرستان زیمبابوه رد شد.

### امریکا به مسلح کردن اسرائیل ادامه میدهد

امپریالیسم آمریکایر حال که ریاکارانه از مسلح درخاورمیانه سخن می‌گوید، همچنان با ستاب فراوان به مسلح کردن صهیونیستهای اسرائیل ادامه می‌دهد. وزارت جنگ آمریکا اعلام کرده که دو سوت و پنج ماهه مسلح شدن هوایی «چاپارل» در اختیار اسرائیل قرار می‌دهد. بر نامه‌های تسلیحاتی و تجاوزکارانه دارنده تل‌آویو، زحمتکشان این کشور را زیر فشار قرار داده است. حکومت اسرائیل طرف چندروز اخیر بازم مواد اساسی مانند سوخت خانگی، آرد و گوشت یخ‌زده را بیست تا پنجاه درصد افزایش داده است.

### دوستی اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن بر مبارزه علیه امپریالیسم استوار است

رسانه‌های گرومی کشورهای عربی بر مذاکرات اخیر عبدالفتاح اسماعیل، رئیس‌جمهوری دموکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی) را با رهبران شوروی در جهت پیشبرد آرمان اعراب مهم و سودمند توصیف کردند.

بیشتر روزنامه‌های عربی باین نکته اشاره کردند که مذاکرات در حالی صورت گرفت که امپریالیسم و صهیونیسم، بکمک ارتجاع عرب، موافقت نامه خانقانه کمپ‌دیوید را سر مبنی کرده و علیه خلق فلسطین دست به توطئه زده و امپریالیسم آمریکا منطقه را بمداخله مسلحانه تهدید می‌کند.

روزنامه بیروتی «الدواء» نوشت که پیمان دوستی اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن نشان دهنده گسترش و تحکیم هر چه بیشتر روابط دو کشور است.

روزنامه «السفر» اعلام کرده که روابط اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن بر اساس مبارزه علیه امپریالیسم و سرپرندگان آن استوار است.

### رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران

با درودهای فراوان، آغاز سی و نهمین سال فعالیت حزب توده ایران، حزب طراز نون طبقه کارگر، حزب شهیدان را به شما و همه اعضای و هواداران حزب توده ایران در شرکت برفی منطقه‌ای تهران

# ۴ هزار گودنشین: هیچ چیز نداریم!

آفتاب داغ نیمروزی بیرحمانه بر جنوب تهران می‌تابد، و بر جوی‌های پر لای و لجن، که هوا را متعفن میکند، اتومبیلها با کندی، در سنگینی چساره ناپذیر ترافیک، هجوم می‌برند و هوای دم کرده را می‌شکافند. از خیابانهای پرولوله گذشته‌ایم تا به گودها و گودنشین‌ها برسیم: میدان مولوی، قبر آقا، میدان بارفروش، میدان شوش و میدان غار. میدان غار مرکز اسکان گودنشینان است.

طوفان و فرورشدگان دوره گرد باحیرت نگاهمان میکنند. زنها و دخترکان چادری چهره‌های سوخته و چروک خورده را در چادرهای رنگ‌ورورفته می‌پوشانند. کودکان رنگ بریده دبستانی بارو پویشهای آبی و کیفهای کوچک، که اکثراً به پشت آویخته‌اند، دور بر سران می‌چرخند. پیرمردهای از کار افتاده‌ای که آخرین بارقه هستی از چشمان بی‌نورشان می‌تراود، با تردید خیره میشوند تا غریبه‌هایی را بشناسند که با شکفتن در زوایای تاریک و ناشناخته گودها می‌آیند، تا هر چه بیشتر واقعیت‌های زندگی محنت بارشان را دریابند. حجب و سادگی روستایی در چهره‌های بیشترشان موج می‌زند.

به دیدار تجربانی آمده‌ایم که در جامعه طبقاتی خرد شده‌اند، اما هرگز از بیانی نرفته‌اند. اینان فریادی دیگر گویند و انقلاب روحی تازه در کالبدهای بسی دمقشان دمیده‌است. از میان لجن‌زاران قد راست کرده‌اند، تا با سلاح آگاهی و فرهنگی نو، هر روز پیش‌انگیز مشکل شوند و حقوق بهینا رفته را بازیابند. اینان گروهی قلب از میلیونها روستایی ستمدیده‌ای هستند که پس از اصلاحات ارضی «شاهانه»، از زمین کنده شده‌اند و برای ادامه هستی سر از تهران در آورده‌اند.

گروهی از اینان اینجا، در کارگاه‌های ساختمانی، سنگبری‌ها، موزاتیگ‌سازی‌ها، بلورسازی‌ها، گچ‌بازی‌ها، کوره‌پزخانه‌ها و سنگتراشی‌های اطراف شوش و مسگر آباد و ورامین، پیش از آفتاب تابان مغرب، نشان بخور نمیری دست و پا میکنند. بسیاری شان سیکار می‌فرشند، بسیاری رفتگرند، بسیاری دست فروشی میکنند و بسیاری دیگر به خیل انبوه بیکاران پیوسته‌اند. هر چه هستند زخمی عمیق و مهلک بر پیشانی ایرانند. گودهای کوچک و بزرگ هم پیوسته‌اند و در پانزده ناحیه متمرکز شده‌اند: گودمادی، گودسیدرویش، گودحاج بازار، گودنهایی، گودسولوی، گودانوری، گودنجیمی، گودحاج ماشالله، گودقاسم‌تکری، گودعربها، گودمصومی، گودترقی، گودباغچه‌علی، گودباغ آذری، گود صالحی، گودتوتوچی و...

این گودها از شمال به خیابان مولوی، از شرق به میدان شوش، از جنوب به فرح آباد و خزانه واز غرب به امتداد جنوبی خیابان حنیف‌نژاد (شاپور سابق) محدود میشوند. از سنگنه اصلی آنها آمار صحنی در دست نیست، اما بگفته‌های آگاهان، به چهل هزار نفر تخمین زده میشوند، که اغلب آنها مهاجران روستایی‌اند و از حداقل امکانات رفاهی، بهداشتی و فرهنگی بی‌بهره.

گودها بقایای کوره پزخانه‌ها، زاغه‌ها و گورستانهای قدیمی‌اند که روزگاری با شهر فاصله داشتند و حالاً در وسط شهردهان باز کرده‌اند تا آوارگان و بی‌خانم‌های تیره‌روزی برادر خود بنشینند که تا چند سال پیش در روستاها زراعت می‌کردند و به دامداری می‌پرداختند و تولیدات روستایی و صادرات کشاورزی سهم عمده‌ای داشتند. خانواده‌هایی که بسه یا پخت و پزهای بزرگ آمده‌اند تا ظاهرآ به استقبال «جامه صنعتی» بروند. ولی اجباراً آنها به مهاجرت به شهرها، در واقع نتیجه توطئه امپریالیسم و عمالشان بود که زیر بنای کشاورزی و دامداری ایران را ویران ساختند.

با برپوبه‌های محله گودنشینان قراقبلی داریم. اینها در اداره گودنشینان تاقی گرفته‌اند و ستاد فعالیت‌های مطبوعاتی خود کرده‌اند. همگی جوانند و کم‌سن و سال. با گذاردن روی به استقبال می‌آیند. یکی از آنها که جوانک باریک اندام و سیاه چهره‌ای است، همراهمان برام می‌آیند تا بگویند هدایایمان کنند. از برپوبه‌های محلی است. تالوی بزرگ اداره اسکان گودنشینان وابسته به شهرداری جلب توجه میکند.

## مشتی نمونه خروار

میخواهند گودنشینان را بروستاها برگردانند، اما شدنی نیست. گودنشین‌ها دارند در کارخانه‌ها ریشه میگیرند. باید همین‌جا فکری بحالشان کرد. البته اگر بتوانند بروستاها برشان گردانند، کار مفیدی است. اما تا بیاوند کشاورزی را احیاء کنند، اینها از بین رفته‌اند. از آن گذشته، بچه‌های گودنشین اغلب درس می‌خوانند و در روستاهای ایران امکانات آموزش کم است.

در همین کارگاه گیرسازی روزی ده تومان می‌گیرد. بزرگترینشان سه سبزی رفته. چه کسی بما فکر میکند؟ پس خرج خورد و خوراک ما از کجا باید بیاید؟ خدا پدر صاحب‌خانه را بیامرزده که دلش سوخت و در این مدت ازمن اجاره خانه نکرده. و گرنه چه خاکی باید بسز خودم می‌بختم؟

## بچه‌های ما حق زندگی میخواهند

ما بعضی روزها مجبوریم که یک وعده نان خالی بخوریم. پیش از انقلاب که وضع مشخص بود حالا انقلاب شده و بچه‌های ما حق زندگی می‌خواهند. اشک گرد چشموهای پیرمرد حلقه می‌زنند. بقیه حرفش را می‌خورند. جوانکی میگوید، انحصار طلبان همه‌جا را قبضه کرده‌اند. میگویند میخواهیم از اسلام دفاع کنیم. ولی خودشان بزرگترین ضربه را به اسلام موزند. آن از مجلس خبرگان و اینهمه ازین قبیل بچه‌ها، اما کور خوانده‌اند. این بار مثل گذشته شل نمی‌دهیم باید نرونها تعدیل شود. باید کارخانه‌ها واقعاً ملی شود. باید به ما مسکن بدهند. باید به ما کار بدهند. ما نیروی اصلی تولیدیم، ولی نعمتی به چیب سرمایه‌دارهای وابسته می‌رود. آنها هم توکران آمریکا هستند.

زنی که دست بچه‌های را گرفته، از پای فشاری به ما نزدیک میشود. میگوید، آقا، اگر میشود به ما یک خانه بدهید. مردم از بس گریه دادیم. شوهرم صبح تا شب توی بلورسازی کار میکند و شصت تومان حقوق میگیرد. پنج تا بچه داریم و ما می‌شصت تومان گریه می‌دهیم. اینهمه خانه خالی تو شمال شهر افتاده. همه‌ش هم از مال دزدی درست شده. ما که انقلاب کرده‌ایم، چرا این خانه‌ها را به ما نمی‌دهند؟ کدام قانون گفته که شوهر علول من روزی دوازده ساعت کار و اضافه کاری کند و ما روز بروز وضعمان بدتر بشود؟ قیمت‌ها عجیب بالا رفته. اگر بخواهیم بانان خالی شکما را سیر کنیم، روزانه کلی پول میخواهیم.

همراهمان میان حرفش میدود، می‌بیند آقا، این‌ها درد است. روزهای قبل از انقلاب، بچه‌های گود نقش اساسی داشتند. هر جایی که کار میکردند، اعتصاب کردند، به ارتش و ساواک حمله کردند. همه‌شان زیر باران گلوله بودند. چقدر جان کندی تا توانستیم کمیته ساواک را تصرف کنیم. چقدر تا از ما کشته شدند.

حوانی باحالی نزار پیش می‌آید. دست‌هایش دچار رعشه است. میگوید، آقا، فکری به حال معتادها کنید. این گود پر است از آدم‌هایی مثل من. حالا قاچاقچی‌ها دست و پایشان بیشتر از گذشته باز است... گود منبوی از درد و شکایت است. اگر بخواهیم همه آنها را بوسیم، مثنوی هفتادمن می‌شود. با موافقت بچه‌های گود، سری به کارگاه گیرسازی می‌زنیم و با بچه‌ها صحبت می‌کنیم. بزرگترینشان پانزده سال دارد و روزی پنجاه تومان می‌گیرد. با این پنجاه تومان، خرج یک خانواده را می‌دهد. کوچکترینشان هشت سال دارد و روزی ده تومان می‌گیرد.

بادلی دردمند سری انباشته از دردها، گود ندایی را ترک می‌کنیم. راهنما می‌گوید، احتیاجات ابتدایی گودنشینان به چند چیز خلاصه می‌شود: آب آشامیدنی: گودها اغلب فاقد لوله‌کشی آب آشامیدنی هستند و اهالی گود با تحمل زحمت فراوان ناچارند برای تأمین این ضروری‌ترین مایه حیات، خود را به بالای گود برسانند و از فشاری آب بیاورند. البته برای شستن رخت و لباس اکثرآ درگیری‌هایی بوجود می‌آید.

مسئله درمانی: در این محدوده حتی یک درمانگاه پیدا نمیشود. از بیمارستان دوریم. اکثر مردم بیمه نیستند و مجبورند برای درمان بیماری‌ها متحمل مخارج کثافی شوند.

تفریح و بازی: با در نظر گرفتن جمعیت زیاد گود، محلی برای تفریح و بازی بچه‌ها در گودها نیست.

بهداشت: با در نظر گرفتن شرایط گود، کمبود آب، زیادی جمعیت، نبودن رفتگر، و اینکه آشنا‌ها روی هم انباشته میشوند، روز بروز بیماری‌های مختلف وسعت می‌گیرد. شهرداری بایستی در این مورد اقدام کند. مسئله بیکاری: که موجب رواج اعتیاد و قاچاق میشود. بایک نگاه دقیق، در هر گوشه گود چند معتاد را می‌بینید. قاچاقچی‌ها آزادانه گودنشینان را می‌فروشند.

پیرمردی با کلاه نخی پیش می‌آید. دستم را می‌گیرد و نزدیک فشاری آب هدایت می‌کند. میگوید، تا چند روز پیش این فشاری سر گود بود. زنها و بچه‌ها مجبور بودند که روزی چند بار تا پای فشاری بروند و آب بردارند. به شهرداری رجوع کردیم، که فشاری را بوسط گود منتقل کنند. گفتند ما بودجه نداریم. خودمان پول جمع کردیم اوله خری‌دیم زمین را زدیم و با هزار زحمت فشاری را آوردیم وسط گود، برای اینکه در این موقعیت بحرانی به دولت کمک کرده باشیم. ولی از شما می‌پرسم، این انصاف است که ما نتوانیم از آب لوله‌کشی استفاده کنیم؟ چند سال پیش پای من در اثر تصادف ناقص شد و از کار افتادم. پنج تا بچه قد داریم. کوچکترینشان هشت سال دارد و

## در مطبوعات کشور

آمریکا باید از ما بتوسد  
متأسفانه بعضیها این ترسها را راهنما ندانند و سیاست خارجی را بر مبنای این ترس می‌کنند. آنکه خب، الان با آمریکا کاری نداشته باشیم، چون قدرت دارد و ممکن است خلیج فارس را اشغال کند (شاطر الشعراء - اول آبان)

ایران وسقوط دکتر مصدق و پیرآمدهای ربع قرن بد آن شد تجربه‌ای تلخ داریم و این تجربه‌ی ناگوار ولی بی‌سگرانه‌ها ما آموخته است که آمریکا، این سرطان جهانی، پس از کودتای نتکن بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۳۲ در این مملکت عمیقاً ریشه دوانده است و برای برکنار ماندن از عوارض ناشی از این سرطان چاره‌ای جز سوزاندن ریشه‌هایش نیست و برای پیروزی در برکنار این ریشه‌ها، تنها راه، وحدت و یکسنگی است. بیاثید با وحدت خود ثابت کنیم که دیگر در ایران جایی برای امپریالیسم و مدعیان آن وجود ندارد.

کوهی استوار در مقابل مطامع جانخواران ایستاده است، سبی بر این دارد که از راه شکاف در وحدت ملی و ایجاد آشوب و فتنه‌های درون‌مرزی و تحریک بیرون مرزی و تهدیدات نظامی، انقلاب را عبور داند و ضربه نهایی را وارد کند. از تجربیات حاصله از جنایات آمریکا در مملکت خودمان و نیز در مقاله اشاره شد، باید آموخت که در مقابل تحریکات جهان‌خواران برای حفظ دست‌آوردهای انقلاب و استقلال و آزادی مملکت باید دارای وحدت و یکسنگی بود و این دست نمی‌آید مگر در سایه آگاهی و بیداری. ما از تنگ در وحدت مردم در سال ۱۳۳۲ که منجر به ضربه مهلکی به نفث ملی

یا ما را محاصره اقتصادی بکند. این نوع برخورد از موضع ضعف است. انقلابی که توانست قدرت بزرگ شاه را شکست بدهد، نباید از آمریکا بترسد. این امریکاست که باید از ما بترسد... اگر از موضع قدرت با آمریکا صحبت کنیم، امریکاست که باید تسلیم ما بشود. اما متأسفانه بعضی مسئولین این فکر را نمیکنند، فکر میکنند باید ملاحظه امریکارای بکنند، میگویند حالا به فلسطینیها زیاده کمک نکنیم، میادا امریکا نگران و نسا راحت بشود. این اشتباه است تمام این تهدیدها بوج است... (مجاهد - ۳ مهر)

## قانون اساسی ایران باید باز تاب انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران باشد

رئیس دانشگاه تهران:

### این انقلاب، انقلاب مستضعفین است و صاحبان زر و زور باید کنار بروند

وضع دانشجویان بستگی به اوضاع مملکت دارد.

دکتر ملکی، رئیس دانشگاه تهران، در گفتگویی با روزنامه «انقلاب اسلامی»، نظر خود را درباره دانشگاه، سیاستهای دولت، چگونگی تحولات انقلاب و اهداف انقلاب بیان کرد. او در مورد ضرورت تشکیل شوراهای دانشگاه گفت:

«روزی که در دانشگاه مسئولیت را به عهده گرفتیم، یکی از اولین کارها پیمان اداره کردن دانشکدهها بوسیله شورا بود و یک بخشنامه هم به دانشکدهها فرستادیم که هر چه زودتر شورای هماهنگی را تشکیل بدهند و این شورای هماهنگی هم مرکب بود از گروههای مختلفی که در دانشگاه فعالیت میکردند، استاد، دانشجو، کارگر، کارمند و با تمام مشکلاتی که وجود داشت، سعی کردیم عملی بشود. هنوز هم به این اصل معتقدیم، متأسفانه نه عدهای هنوز معتقد به شورا در دانشگاه نیستند و حاضر به تصمیم گیری در کنار دانشجو نیستند. اگر مسلمان هستیم و اعتقاد داریم به اسلام میبایست به اعتقاد شوراها هم معتقد بودیم و ما در دانشگاه اینکار را خواهیم کرد و از مواضع هم نمیترسیم.»

رئیس دانشگاه تهران در مورد انقلاب و اهداف آن گفت:

«بند معتقد هستم که انقلابی شده در این مملکت، یعنی نظامی که قریباً بر مردم مسلط شده بود، حال تغییر کرده، اما اینکه انقلاب به هدفهای خودش رسیده، اینجا حرفهای دارم. انقلاب ما یکسری اهدافی داشت که تا کنون به هیچیک از این اهداف خودش نرسیده و با کمال تأسف باید عرض کنم که تدریجاً از اهداف انقلاب دور میرویم و این خطری بود که از هدفهای احساس میکردم و بدین صورت معتقد به انقلاب در انقلاب هستم و میگویم که امکان بود، چه در سخنرانی و چه در پیامهایی که برای دانشجویان میفرستیم این رنگ خطر را بسا میآورم. بارها گفتهام که تمام نظام مرفق نخواهد بود، همچنان که مرفق نبود و آن چیزی که در این مملکت میگردد، چیزی نبوده که انقلاب آنها را میخواست. و حرف

بند معتقد هستم که انقلابی شده در این مملکت، یعنی نظامی که قریباً بر مردم مسلط شده بود، حال تغییر کرده، اما اینکه انقلاب به هدفهای خودش رسیده، اینجا حرفهای دارم. انقلاب ما یکسری اهدافی داشت که تا کنون به هیچیک از این اهداف خودش نرسیده و با کمال تأسف باید عرض کنم که تدریجاً از اهداف انقلاب دور میرویم و این خطری بود که از هدفهای احساس میکردم و بدین صورت معتقد به انقلاب در انقلاب هستم و میگویم که امکان بود، چه در سخنرانی و چه در پیامهایی که برای دانشجویان میفرستیم این رنگ خطر را بسا میآورم. بارها گفتهام که تمام نظام مرفق نخواهد بود، همچنان که مرفق نبود و آن چیزی که در این مملکت میگردد، چیزی نبوده که انقلاب آنها را میخواست. و حرف

نکرده و به وحدت ملی و بسج هم نیروهای انقلابی و حاکمیت مردم منجر نشود، دسترس با اهداف انقلاب و زردن آثار نهادهای استبداد و استعمار و استثمار ممکن نخواهد بود.»

مسئله کردستان و خارج کردن گروههای انقلابی از صحنه یکی دیگر از دلایل استعفای دکتر سامی چنین ذکر شده است، شرایطی که اتخاذ سیاستهای اقتصادی و عمرانی و بخصوص نفوذ تبلیغاتی انقلابی میبایست در منطقه نیازمند کردستان موثر و راهگشا باشد، روشهای مسکانه

و محتاطانه برنامه بر زبان بودجه و وفاداری و اسرار بیورد برای تبادل در بودجه آینده... آیندهای که امروز شاهد طلوع آن هستیم فعالیتهای عمرانی را بتأخیر انداخته و دولت از هر نوع عمل انقلابی و قاطع در نقاط تحریک پذیر بازمانده و بیان عامل، انحصار گرایی و سکتاریسم حزبی و مونوپولیسم صاحبان قدرت هم اضافه شد و بهانه نجات اسلام و حمله بجناب چپو شد انقلاب سنی شد که همه گروههای انقلابی و مترقی را از صحنه خارج کنند و مقدمات تسلط مطلق بر امور فراهم گردد.»

نکرده و به وحدت ملی و بسج هم نیروهای انقلابی و حاکمیت مردم منجر نشود، دسترس با اهداف انقلاب و زردن آثار نهادهای استبداد و استعمار و استثمار ممکن نخواهد بود.»

مسئله کردستان و خارج کردن گروههای انقلابی از صحنه یکی دیگر از دلایل استعفای دکتر سامی چنین ذکر شده است، شرایطی که اتخاذ سیاستهای اقتصادی و عمرانی و بخصوص نفوذ تبلیغاتی انقلابی میبایست در منطقه نیازمند کردستان موثر و راهگشا باشد، روشهای مسکانه

و محتاطانه برنامه بر زبان بودجه و وفاداری و اسرار بیورد برای تبادل در بودجه آینده... آیندهای که امروز شاهد طلوع آن هستیم فعالیتهای عمرانی را بتأخیر انداخته و دولت از هر نوع عمل انقلابی و قاطع در نقاط تحریک پذیر بازمانده و بیان عامل، انحصار گرایی و سکتاریسم حزبی و مونوپولیسم صاحبان قدرت هم اضافه شد و بهانه نجات اسلام و حمله بجناب چپو شد انقلاب سنی شد که همه گروههای انقلابی و مترقی را از صحنه خارج کنند و مقدمات تسلط مطلق بر امور فراهم گردد.»

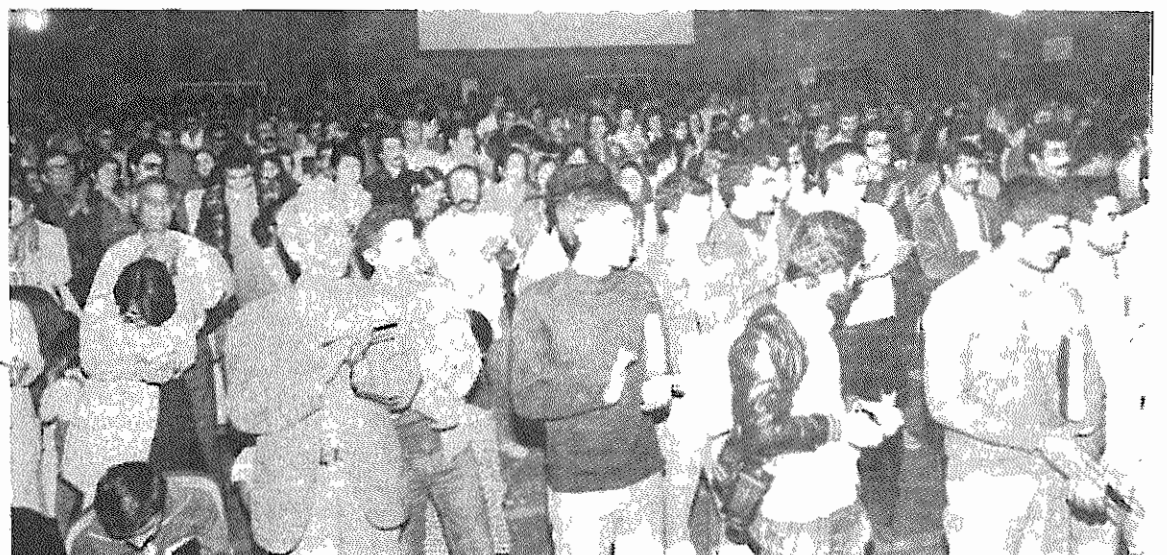
نکرده و به وحدت ملی و بسج هم نیروهای انقلابی و حاکمیت مردم منجر نشود، دسترس با اهداف انقلاب و زردن آثار نهادهای استبداد و استعمار و استثمار ممکن نخواهد بود.»

مسئله کردستان و خارج کردن گروههای انقلابی از صحنه یکی دیگر از دلایل استعفای دکتر سامی چنین ذکر شده است، شرایطی که اتخاذ سیاستهای اقتصادی و عمرانی و بخصوص نفوذ تبلیغاتی انقلابی میبایست در منطقه نیازمند کردستان موثر و راهگشا باشد، روشهای مسکانه

و محتاطانه برنامه بر زبان بودجه و وفاداری و اسرار بیورد برای تبادل در بودجه آینده... آیندهای که امروز شاهد طلوع آن هستیم فعالیتهای عمرانی را بتأخیر انداخته و دولت از هر نوع عمل انقلابی و قاطع در نقاط تحریک پذیر بازمانده و بیان عامل، انحصار گرایی و سکتاریسم حزبی و مونوپولیسم صاحبان قدرت هم اضافه شد و بهانه نجات اسلام و حمله بجناب چپو شد انقلاب سنی شد که همه گروههای انقلابی و مترقی را از صحنه خارج کنند و مقدمات تسلط مطلق بر امور فراهم گردد.»

نکرده و به وحدت ملی و بسج هم نیروهای انقلابی و حاکمیت مردم منجر نشود، دسترس با اهداف انقلاب و زردن آثار نهادهای استبداد و استعمار و استثمار ممکن نخواهد بود.»

مسئله کردستان و خارج کردن گروههای انقلابی از صحنه یکی دیگر از دلایل استعفای دکتر سامی چنین ذکر شده است، شرایطی که اتخاذ سیاستهای اقتصادی و عمرانی و بخصوص نفوذ تبلیغاتی انقلابی میبایست در منطقه نیازمند کردستان موثر و راهگشا باشد، روشهای مسکانه



گوشه‌ای از مراسم بزرگداشت افسران شهید توده‌ای در دانشگاه علم و صنعت

## مراسم بزرگداشت افسران شهید



رفیق محمدعلی عمولی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در حال سخنرانی

۲۵ سال پیش، در سحرگاه هشتم آبان ماه، ۶ افسر دلدار توده‌ای را به فرمان شاه جانی به جوخه آتش سپردند. در سحرگاه آن روز، دومین گروه عشو سازمان نظامی حزب توده ایران مرکب از رفقا: سرگرد محمد رضا بهنیا، سروان مصطفی بیاتی، سروان حسین کلالی، سروان منصور کلهری، سرگرد غلامحسین مجیدی، سروان احمد مهدیان تیرباران شدند.

در سالروز شهادت این آزاد مردان میهن دوست، مراسمی در دانشگاه علم و صنعت برگزار شد. در این مراسم رفیق محمدعلی عمولی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، یکی از افسران عشو سازمان نظامی حزب توده ایران، که ۲۵ سال فاتح شکنجه‌گاهها و زندانهای شاهخائن بود، شرکت داشت.

آنگاه از رفیق محمدعلی عمولی برای سخنرانی دعوت می‌شود. رفیق عمولی در میان غریب کف زدن جمعیت بسوی تریبون می‌رود. کسوف زدن به شعار: درود بر کمیته مرکزی حزب ما!

تبدیل می‌شود و آنگاه رفیق عمولی سخن می‌گوید. رفیق عمولی در سخنان خود از جمله گفت:

«هر چند چهره رفتاری شهید همیشه در خاطر ما است، ولی هرگاه عکسی از آنها به دیوار زده می‌شود و یا آلبومی از آنها بازمی‌شود، یک بار دیگر سوگند مادر راه حزب توده ایران، در راه پیروزی توده‌های خلق تجدید می‌شود. برگزاری چنین مجالسی برای تجدید عهد و تجدید سوگند در این راه است.»

پس هر گونه خاطره‌ای از یاران قدیم، برای شناخت وظیفه امروزی ماست و این آن چیزی است که برآستی مبارا شایسته راه آن شهدای قهرمان می‌کند.

رفیق عمولی با تشریح سیاست حزب توده ایران در شرایط کنونی، اهمیت اتحاد نیروهای انقلابی را یادآور شد و گفت: حزب توده ایران برای اتحاد نیروهای مترقی انقلابی، برای تشکیل یک جبهه متحد خلق

رفیق محمدعلی عمولی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در حال سخنرانی

در ایجاد آخوب میکند و معتقد است هر چه بدتر باشد برای ما بهتر است، و هر چه ناراضی‌ها چهارم خشکین ترو حقی طلبی‌ها چهره خونین تری بخود گیرد، عمل بهترین خدمت‌ها را به همان نقشه‌های تفرقه افکنانه امپریالیستها میکند.

رفیق عمولی سخنان خود را چنین توده پایان داد: حزب توده ایران را هر چه بیشتر تقویت کنید، در راه تشکیل جبهه متحد خلق مرکب از تمام نیروهای راستین ضد امپریالیستی و دمکراتیک و خلقی بویژه از نیروهای چپ راستین و اسلامی مترقی سیمان نه و صادقانه بکشید. به راه و دس زندگی و مبارزه و شهادت افسران توده‌ای وفادار بمانیم!

سوسیالیسم پس از رهائی اقتصاد ملی از وابستگی‌های خارجی است. خلق الجزایر در تمام زمینه‌ها، هر روز بیش از پیش، جبهه یکپارده امر ساندگی و راه خود را بسوی ترقیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گسترش میدهد و مستحکم میکند.

جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر در عرصه جهانی در صف مقدم مبارزات راهی پیش و استقلال طلبانه خلقها و نیروهای قرار گرفته که علیه امپریالیسم، استعمار و وابستگی پیش می‌کند. جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر از بنیادگذاران و عضو فعال جنبش کشورهای غیر متعهد بشمار می‌آید. گسترش روابط جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر با کشورهای سوسیالیستی و دول مستقل ملی، موفقیت مبارزه خلق الجزایر در راه راه ناکمل وابستگی

جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر در عرصه جهانی در صف مقدم مبارزات راهی پیش و استقلال طلبانه خلقها و نیروهای قرار گرفته که علیه امپریالیسم، استعمار و وابستگی پیش می‌کند. جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر از بنیادگذاران و عضو فعال جنبش کشورهای غیر متعهد بشمار می‌آید. گسترش روابط جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر با کشورهای سوسیالیستی و دول مستقل ملی، موفقیت مبارزه خلق الجزایر در راه راه ناکمل وابستگی

جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر در عرصه جهانی در صف مقدم مبارزات راهی پیش و استقلال طلبانه خلقها و نیروهای قرار گرفته که علیه امپریالیسم، استعمار و وابستگی پیش می‌کند. جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر از بنیادگذاران و عضو فعال جنبش کشورهای غیر متعهد بشمار می‌آید. گسترش روابط جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر با کشورهای سوسیالیستی و دول مستقل ملی، موفقیت مبارزه خلق الجزایر در راه راه ناکمل وابستگی

جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر در عرصه جهانی در صف مقدم مبارزات راهی پیش و استقلال طلبانه خلقها و نیروهای قرار گرفته که علیه امپریالیسم، استعمار و وابستگی پیش می‌کند. جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر از بنیادگذاران و عضو فعال جنبش کشورهای غیر متعهد بشمار می‌آید. گسترش روابط جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر با کشورهای سوسیالیستی و دول مستقل ملی، موفقیت مبارزه خلق الجزایر در راه راه ناکمل وابستگی

جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر در عرصه جهانی در صف مقدم مبارزات راهی پیش و استقلال طلبانه خلقها و نیروهای قرار گرفته که علیه امپریالیسم، استعمار و وابستگی پیش می‌کند. جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر از بنیادگذاران و عضو فعال جنبش کشورهای غیر متعهد بشمار می‌آید. گسترش روابط جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر با کشورهای سوسیالیستی و دول مستقل ملی، موفقیت مبارزه خلق الجزایر در راه راه ناکمل وابستگی

جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر در عرصه جهانی در صف مقدم مبارزات راهی پیش و استقلال طلبانه خلقها و نیروهای قرار گرفته که علیه امپریالیسم، استعمار و وابستگی پیش می‌کند. جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر از بنیادگذاران و عضو فعال جنبش کشورهای غیر متعهد بشمار می‌آید. گسترش روابط جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر با کشورهای سوسیالیستی و دول مستقل ملی، موفقیت مبارزه خلق الجزایر در راه راه ناکمل وابستگی

جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر در عرصه جهانی در صف مقدم مبارزات راهی پیش و استقلال طلبانه خلقها و نیروهای قرار گرفته که علیه امپریالیسم، استعمار و وابستگی پیش می‌کند. جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر از بنیادگذاران و عضو فعال جنبش کشورهای غیر متعهد بشمار می‌آید. گسترش روابط جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر با کشورهای سوسیالیستی و دول مستقل ملی، موفقیت مبارزه خلق الجزایر در راه راه ناکمل وابستگی

جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر در عرصه جهانی در صف مقدم مبارزات راهی پیش و استقلال طلبانه خلقها و نیروهای قرار گرفته که علیه امپریالیسم، استعمار و وابستگی پیش می‌کند. جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر از بنیادگذاران و عضو فعال جنبش کشورهای غیر متعهد بشمار می‌آید. گسترش روابط جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر با کشورهای سوسیالیستی و دول مستقل ملی، موفقیت مبارزه خلق الجزایر در راه راه ناکمل وابستگی

## بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب دمکراتیک ملی در الجزایر

بازگشت ناپذیری آن، داشتن تصور روشن و واقع بینانه از اهداف سیاسی و اقتصادی که میبایست این اهداف را تأمین و تضمین کنند، به خلق الجزایر کمک کرد تا راه آینده پیشرفت روند انقلاب را در جبهه سازندگی و بی‌ریزی جامعه نوین مشخص سازد.

خلق الجزایر، پس از پیروزی انقلاب، با تصمیمی قاطع امر سازندگی نظام دولتی و جامعه نوین را برپایه لغو هر گونه وابستگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به دول امپریالیستی، تأمین استقلال ملی و بر بنیاد برانداختن بهره کشی انسان از انسان آغاز کرد، از همان ابتدای مرحله سازندگی جامعه نوین، ساختمان سوسیالیسم به مثابه جامعه‌ای که شکوفایی و ترقی و تعالی توده‌های خلق را تأمین می‌کند، بعنوان هدف نهایی در پیش گرفته شد.

تدوین منشور ملی از جانب دولت ملی دمکراتیک الجزایر و تأیید و تصویب این منشور از جانب مردم جزایر در فروردین ۲۷ ژوئن سال ۱۹۷۶، در برابر پیشرفت انقلاب در جبهه سازندگی و ایجاد جامعه نوین افق تازه‌ای گشود. تصویب این منشور و تدوین قانون اساسی کشور بر اساس آن، انقلاب خلق الجزایر را وارد مرحله نوین، یعنی مرحله ایجاد پایه‌های مادی

بازگشت ناپذیری آن، داشتن تصور روشن و واقع بینانه از اهداف سیاسی و اقتصادی که میبایست این اهداف را تأمین و تضمین کنند، به خلق الجزایر کمک کرد تا راه آینده پیشرفت روند انقلاب را در جبهه سازندگی و بی‌ریزی جامعه نوین مشخص سازد.

خلق الجزایر، پس از پیروزی انقلاب، با تصمیمی قاطع امر سازندگی نظام دولتی و جامعه نوین را برپایه لغو هر گونه وابستگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به دول امپریالیستی، تأمین استقلال ملی و بر بنیاد برانداختن بهره کشی انسان از انسان آغاز کرد، از همان ابتدای مرحله سازندگی جامعه نوین، ساختمان سوسیالیسم به مثابه جامعه‌ای که شکوفایی و ترقی و تعالی توده‌های خلق را تأمین می‌کند، بعنوان هدف نهایی در پیش گرفته شد.

تدوین منشور ملی از جانب دولت ملی دمکراتیک الجزایر و تأیید و تصویب این منشور از جانب مردم جزایر در فروردین ۲۷ ژوئن سال ۱۹۷۶، در برابر پیشرفت انقلاب در جبهه سازندگی و ایجاد جامعه نوین افق تازه‌ای گشود. تصویب این منشور و تدوین قانون اساسی کشور بر اساس آن، انقلاب خلق الجزایر را وارد مرحله نوین، یعنی مرحله ایجاد پایه‌های مادی

بازگشت ناپذیری آن، داشتن تصور روشن و واقع بینانه از اهداف سیاسی و اقتصادی که میبایست این اهداف را تأمین و تضمین کنند، به خلق الجزایر کمک کرد تا راه آینده پیشرفت روند انقلاب را در جبهه سازندگی و بی‌ریزی جامعه نوین مشخص سازد.

## استعفای دکتر سامی زنک خطری برای دولت...

بقیه از صفحه ۱ قرار گرفت و در حقیقت علت فراموشی شد یا بحساب نیامد. و نبرد شد استعماری بدون داشتن یک برنامه اقتصادی مشخص نتوانست بطور رادیکال مطرح شود. بیونگ یک خط هدایت کننده در برنامه‌های اقتصادی، دولت را بنوعی عقب نشینی در برابر فشار مستمر مردم واداشت و بجای آنکه دولت بتواند موثر انقلاب مردم را جلو ببرد، خود بوسیله فشار مردم بطور نامنظم جلو رانده شد (سیاست یک روز در آمد نفت برای استان مظهر بازرایی بی‌خطی است) تسلیم شدن بدستگاه اداری سابق و کار کردن با همان عناصر ساواکی گذشته که هنوز هم ادامه دارد. کشمکش بوسرفلدور

دلیل دیگر استعفای دکتر سامی در نامه‌اش به امام خمینی کشمکش بر سر قدرت در پشت پرده ذکر شده، آنچه در تقسیم مواضع قدرت، در کشمکش‌های پشت پرده میگذرد، علاقه‌مندان و مستندان به قبول مسئولیت و ایثار در دژ دولتی و کسب و روز بروز بر تعداد

بقیه از صفحه ۱ قرار گرفت و در حقیقت علت فراموشی شد یا بحساب نیامد. و نبرد شد استعماری بدون داشتن یک برنامه اقتصادی مشخص نتوانست بطور رادیکال مطرح شود. بیونگ یک خط هدایت کننده در برنامه‌های اقتصادی، دولت را بنوعی عقب نشینی در برابر فشار مستمر مردم واداشت و بجای آنکه دولت بتواند موثر انقلاب مردم را جلو ببرد، خود بوسیله فشار مردم بطور نامنظم جلو رانده شد (سیاست یک روز در آمد نفت برای استان مظهر بازرایی بی‌خطی است) تسلیم شدن بدستگاه اداری سابق و کار کردن با همان عناصر ساواکی گذشته که هنوز هم ادامه دارد. کشمکش بوسرفلدور

دلیل دیگر استعفای دکتر سامی در نامه‌اش به امام خمینی کشمکش بر سر قدرت در پشت پرده ذکر شده، آنچه در تقسیم مواضع قدرت، در کشمکش‌های پشت پرده میگذرد، علاقه‌مندان و مستندان به قبول مسئولیت و ایثار در دژ دولتی و کسب و روز بروز بر تعداد

بقیه از صفحه ۱ قرار گرفت و در حقیقت علت فراموشی شد یا بحساب نیامد. و نبرد شد استعماری بدون داشتن یک برنامه اقتصادی مشخص نتوانست بطور رادیکال مطرح شود. بیونگ یک خط هدایت کننده در برنامه‌های اقتصادی، دولت را بنوعی عقب نشینی در برابر فشار مستمر مردم واداشت و بجای آنکه دولت بتواند موثر انقلاب مردم را جلو ببرد، خود بوسیله فشار مردم بطور نامنظم جلو رانده شد (سیاست یک روز در آمد نفت برای استان مظهر بازرایی بی‌خطی است) تسلیم شدن بدستگاه اداری سابق و کار کردن با همان عناصر ساواکی گذشته که هنوز هم ادامه دارد. کشمکش بوسرفلدور

بقیه از صفحه ۱ قرار گرفت و در حقیقت علت فراموشی شد یا بحساب نیامد. و نبرد شد استعماری بدون داشتن یک برنامه اقتصادی مشخص نتوانست بطور رادیکال مطرح شود. بیونگ یک خط هدایت کننده در برنامه‌های اقتصادی، دولت را بنوعی عقب نشینی در برابر فشار مستمر مردم واداشت و بجای آنکه دولت بتواند موثر انقلاب مردم را جلو ببرد، خود بوسیله فشار مردم بطور نامنظم جلو رانده شد (سیاست یک روز در آمد نفت برای استان مظهر بازرایی بی‌خطی است) تسلیم شدن بدستگاه اداری سابق و کار کردن با همان عناصر ساواکی گذشته که هنوز هم ادامه دارد. کشمکش بوسرفلدور

بقیه از صفحه ۱ قرار گرفت و در حقیقت علت فراموشی شد یا بحساب نیامد. و نبرد شد استعماری بدون داشتن یک برنامه اقتصادی مشخص نتوانست بطور رادیکال مطرح شود. بیونگ یک خط هدایت کننده در برنامه‌های اقتصادی، دولت را بنوعی عقب نشینی در برابر فشار مستمر مردم واداشت و بجای آنکه دولت بتواند موثر انقلاب مردم را جلو ببرد، خود بوسیله فشار مردم بطور نامنظم جلو رانده شد (سیاست یک روز در آمد نفت برای استان مظهر بازرایی بی‌خطی است) تسلیم شدن بدستگاه اداری سابق و کار کردن با همان عناصر ساواکی گذشته که هنوز هم ادامه دارد. کشمکش بوسرفلدور

بقیه از صفحه ۱ قرار گرفت و در حقیقت علت فراموشی شد یا بحساب نیامد. و نبرد شد استعماری بدون داشتن یک برنامه اقتصادی مشخص نتوانست بطور رادیکال مطرح شود. بیونگ یک خط هدایت کننده در برنامه‌های اقتصادی، دولت را بنوعی عقب نشینی در برابر فشار مستمر مردم واداشت و بجای آنکه دولت بتواند موثر انقلاب مردم را جلو ببرد، خود بوسیله فشار مردم بطور نامنظم جلو رانده شد (سیاست یک روز در آمد نفت برای استان مظهر بازرایی بی‌خطی است) تسلیم شدن بدستگاه اداری سابق و کار کردن با همان عناصر ساواکی گذشته که هنوز هم ادامه دارد. کشمکش بوسرفلدور

بقیه از صفحه ۱ قرار گرفت و در حقیقت علت فراموشی شد یا بحساب نیامد. و نبرد شد استعماری بدون داشتن یک برنامه اقتصادی مشخص نتوانست بطور رادیکال مطرح شود. بیونگ یک خط هدایت کننده در برنامه‌های اقتصادی، دولت را بنوعی عقب نشینی در برابر فشار مستمر مردم واداشت و بجای آنکه دولت بتواند موثر انقلاب مردم را جلو ببرد، خود بوسیله فشار مردم بطور نامنظم جلو رانده شد (سیاست یک روز در آمد نفت برای استان مظهر بازرایی بی‌خطی است) تسلیم شدن بدستگاه اداری سابق و کار کردن با همان عناصر ساواکی گذشته که هنوز هم ادامه دارد. کشمکش بوسرفلدور

بقیه از صفحه ۱ قرار گرفت و در حقیقت علت فراموشی شد یا بحساب نیامد. و نبرد شد استعماری بدون داشتن یک برنامه اقتصادی مشخص نتوانست بطور رادیکال مطرح شود. بیونگ یک خط هدایت کننده در برنامه‌های اقتصادی، دولت را بنوعی عقب نشینی در برابر فشار مستمر مردم واداشت و بجای آنکه دولت بتواند موثر انقلاب مردم را جلو ببرد، خود بوسیله فشار مردم بطور نامنظم جلو رانده شد (سیاست یک روز در آمد نفت برای استان مظهر بازرایی بی‌خطی است) تسلیم شدن بدستگاه اداری سابق و کار کردن با همان عناصر ساواکی گذشته که هنوز هم ادامه دارد. کشمکش بوسرفلدور

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق